**نام کتاب:** تحلیل عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی: پرونده هسته‌ای

**نقد و ارزیابی:** امیرهوشنگ طهماسبی‌پور

**نویسنده:** مهدی ذوالفقاری

**مقدمه:** دکتر اصغر افتخاری

**ناشر:** دانشگاه امام صادق(ع)

**چاپ اول:** 1391

**شمارگان:** 1500 نسخه

کتا**ب "**تحلیل عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی: پرونده هسته‌ای"، تألیف مهدی ذوالفقاری در سال 1391 توسط انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) در 248 صفحه منتشر شده است. پس از مقدمة دکتر اصغر افتخاری، فصول شش‌گانة کتاب به ترتیب به کلیات، تاریخچه عملیات روانی در عمل، مفهوم‌شناسی عملیات روانی، تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، ادبیات نظری تحقیق و سرانجام به شیوه‌های عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در پایان نیز نتیجه‌گیری کتاب به ارائه راه‌کارهایی به جمهوری اسلامی ایران برای خنثی‌ ساختن عملیات روانی امریکا همت گماشته است.

نویسنده تحقیق خود را از نوع بنیادی – کاربردی برمی‌شمرد(ص23) و چنانچه فصول مختلف کتاب نشان می‌دهد در کنار طرح مباحثی نظری در بارة عملیات روانی در صدد است تا شیوه‌های عملیات روانی امریکا را در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران به‌ویژه در برخورد با پروندة هسته‌ای آن بررسی و مطالعه کند.

این نوشتار در صدد است تا اثر حاضر را از نظر شکلی، روشی، ساختاری و محتوایی بررسی و ارزیابی کند.

**1- ارزیابی شکلی**

1-1: تصویر روی جلد صرفاً یادآور مسئله هسته‌ای است و مفهوم عملیات روانی از آن استخراج نمی‌شود. ضمن اینکه، تصویر یادشده الگوی شناخته شده جهانی از نماد فعالیت‌های هسته‌ای است و در آثار مختلف بسیار تکرار و استفاده شده و فاقد نوآوری است.

1-2: متن پشت جلد اغلاط املایی، ویراستاری و نمونه‌خوانی زیادی دارد. برای نمونه، "در صورتیکه"، (سطر7)؛ "نیروه های"، (سطر9).

1-3: در پشت جلد: گوی زیر متن نشانة چیست؟ دست کم طرح روی جلد به جای آن قرار می‌گرفت.

1-4: در پشت جلد: در عنوان انگلیسی کتاب عبارت "پرونده هسته‌ای" ترجمه نشده است.

1-5: نام ویراستار ادبی در شناسنامه ذکر نشده است.

**1-2: منابع**

در خصوص منابع اشاره به چند نکته ضروری است:

1-2-1: مناسب است منابع به‌صورت درون‌متنی ارائه شوند. در حال حاضر منابع با شماره‌گذاری در متن مشخص شده‌اند و خواننده برای آگاهی از منبع باید به انتهای فصل مراجعه کند که این مسئله باعث اختلال در مطالعه می‌شود.

1-2-2: در پایان هر فصل، منابع تحت عنوان "پی‌نوشت‌ها" به صورت شماره‌بندی ذکر شده‌اند. این در حالی است که در پایان کتاب، منابع باردیگر بر اساس حروف الفبا مرتب شده‌اند. چنانچه منابع براساس اصول منبع‌نویسیِ درون‌متنی تنظیم شوند به تکرار غیرضرور آن در پایان فصل‌ها نیاز نخواهد بود. همچنین واژة "پی‌نوشت" برای ذکر فهرست منابع در پایان فصل‌ها مناسب نیست.

**1-3: حروف‌نگاری**

1-3-1: اشتباهات تایپی و اغلاط املاییِ بسیار زیادی در تمام صفحات کتاب و تقریباً در تمام بندها و سطور آن مشاهده می‌شود که در ویرایش فنی و نمونه‌خوانی به آنها توجه نشده است. رعایت نشدن فاصله و دوری و نزدیکی حروف و کلمات از جمله موارد یادشده است. از این‌رو، ویرایش فنی، تایپ و نمونه‌خوانیِ کتاب، نیازمند ملاحظة مجدد است. در حال حاضر تعداد بی‌شمار خطاها در رعایت فاصلة بین حروف و کلمات خواننده را از مطالعة آرام و راحت متن باز می‌دارد. برخی از اغلاط یادشده عبارت است از: امت ها(ص13)، آینده دار(ص13)، روش ها(صص13، 31)، می دهد(صص14، 39)، توانمندی ها(ص14)، شده اند(ص14)، سیاست ها(ص14)، نرم افزارانه(ص22)، بهره گیری(ص22)، بهره برداری(ص22، 43)، بین الملل(ص44، 128، 136)؛ می باشد(ص34)، حرفه ای(ص35)، می گمارد(ص36)، اعلامیه ها(ص36)، پی گیری(ص37)، گروه‌ ها(ص81)، شبکه ای(ص96، 98)؛ هسته‌ا یش(ص127)؛ نمی شود(ص128)؛ رسانه ها(ص96، 151)؛ جنگ ها(ص96)؛ دولت ها(ص96)؛ گروه ها(ص97)؛ سازمان ها(ص98)؛ داده ها(ص98)؛ برمی گردد(ص108)؛ نیرو گاه(ص127)؛ داشته اند(ص137)؛ برجسته سازی(ص152)؛ نمی دهند(ص152)؛ ملت ها(ص133)؛ تلاش ها(ص134)؛ قرارمی دهد(ص149)، و یکی پدیا[ویکی‌پدیا](ص154)؛ و ... .

1-3-2: برخی از اغلاط املایی:

ضمینه، به جای زمینه(ص43، سطر5)؛ زمینه‌ای، به جای زمینه‌های(ص28)؛ لشگریان، به جای لشکریان(ص50) در همان صفحه: لشکر، و ص51 لشکریان آمده است؛ ایلات، به جای ایالات(ص82)؛ تأثرگذاری، به جای تأثیرگذاری(ص83)؛ پرونده هسته ایران، به جای پرونده هسته‌ای ایران(ص111)؛ آب سنگی، به جای آب سنگین(ص120)؛ کانتیرنرهای، به جای کانتینرهای(ص124)؛ وزارای، به جای وزاری(ص125)؛ اطلاعت، به جای اطلاعات(ص125)؛ ار، به جای از(ص128)؛ چماق و هویچ، به جای چماق و هویج(ص130)؛ سنت‌پطرزبورگ، به جای سن‌پترزبورگ(ص135)؛ برحسته‌سازی، به جای برجسته‌سازی(ص151)؛ بزرگن‌مایی، به جای بزرگ‌نمایی(ص162)؛ نامنی، به جای ناامنی(ص201)؛ فرهنگ و بستر، به جای وِبستر(ص34)؛ داورهای، به جای داروهای(ص89)؛ کلازوتیس، به جای کلاوزویتس(ص90)؛ نو، به جای نوع(ص156)؛ ایک، به جای یک(ص159)؛ لقی، به جای تلقی(159)؛ کابرد، به جای کاربرد(ص162)؛ و .... .

**1-4: ویرایش فنی**

1-4-1: استفاده از علامت نقل قول مستقیم جمله « » برای تأکید بر کلمه. برای نمونه: «پومپوس» (ص51)؛ «گزارش غیرمحرمانه به کنگره»(113)؛ «شبکه تکثیر غیرقانونی تسلیحات اتمی»(ص114)؛ و ... .

1-4-2: نشانة "ها" در برخی موارد متصل و در مواردی منفصل است. برای نمونه:

سؤالهای(صفحة نخست فهرست مطالب)، سؤال‌های(ص27)؛ اولویتها(ص109)؛ دولتها(ص28)، دولت‌ها(صص27، 29،64، 98، 148)؛ ملت‌ها(ص133)؛ روش‌ها(صص28، 31، 33، 35، 177)، روشها(صص22، 29، 31)؛ سازمانها(ص40)، سازمان‌ها(ص110)؛ همکاریها(ص108)، همکاری‌ها(ص109، 111، 109، 111، 133، 134)؛ کمک‌ها(ص108)؛ تلاش‌ها(ص134، 136)؛ فعالیت‌ها(111، 127، 129،130، 133)؛ سیاست‌ها(ص47، 109)؛ طرحها(123)، طرح‌ها(ص114)؛ مسلمانها(ص192)، مسلمان‌ها(ص192)؛ و موارد بسیار دیگر.

1-4-3: در املای کلمات از الگوی واحدی پیروی نشده است. برای نمونه:

آن چه(ص99)، آنچه(ص150)؛ به‌طوری که(ص107، 129)، بطوریکه(ص41)، بطوری که(ص158)؛ تحلیلگر(ص64، 190)، تحلیل‌گر(ص190)؛ گفت و گو(ص134، 135، 136)، گفتگو(ص128)؛ دست‌یابی(ص138)، دستیابی(ص139)؛ رامین مهمان‌پرست(ص131)، رامین مهمانپرست(ص132)؛ روانشناسی(صص29، 34، 99، 148)، روان‌شناسی(ص22، 33، 35،90، 157)؛ آمریکا(ص55، 105، 129، 136و..)، امریکا(ص54، 55، 57، 58، 59، و ...)، امریکائیان(ص70)، امریکاییان(ص74)، امریکاییها(ص195)؛ فن‌آوری(ص30، 47، 48، 113، 116، 135 و ....)، فناوری(28، 64، 65، 97، 98، 108، 109، 124و ...)، فنآوری(ص22، 29، 195، 196)، فنآورانه(ص140)؛ لشگر(ص50)، لشکر(ص50، 52)؛ جورج بوش(ص176، 193)، جرج بوش(ص110)؛ سیلوستین(ص160)، سلوستین(160)؛ سانترفیوژ(ص112، 129، )، سانتریفیوژ(112)؛ هم‌زمان(ص71، 72، 124)، همزمان(ص125، 162)؛ هم‌چنین(65، 66، 74، 161، 175)، همچنین(ص84، 175)؛ بصورت(ص44)، به صورت (ص45)؛ بزرگنمایی(ص162)، بزرگ‌نمایی (ص22، 67، 162،201، 202)؛ مهمترین(ص30، 31، 39، 108، 111، 122، 124، 131، و...)، مهم‌ترین(ص47)؛و .... .

1-4-4: رسم‌الخط همزه به‌طور یکسان در کلمات رعایت نشده است:

ارایه(32، 33، 34، 37، 153، 200، 205)، ارائه(ص40، 44، 97، 99، 107، 123، 200)؛ سوالات، سوال‌های، (ص124، 125، 129)، مسوول، مسوولان(ص135، 136، 138)، مسوؤل(ص207)، مسوؤلان(169)، مسئول(ص58)، مسائل(ص82)، مسایل(ص96، 97، 209)؛ رای(ص151)، رأی(ص151)؛ رییس‌جمهور (ص35، 135، 136)، رئیس‌جمهور(ص60، 74، 118، 120، 130، 182)؛ دایم(ص137)، دائمی(ص148)؛ تاثیر(ص137)؛ تأثیر(74، 123)؛ تایید(ص132، 137)، تأیید(ص33، 116، 117، 137)؛ تاکید(ص132، 135، 136، 155)، تأکید(ص89، 157)؛ تامین(138)، تأمین(106، 147)؛ یاس(ص140)، یأس(199)؛ موسسه(107، 108، 112، 113، 121، 114، 115)، تأسیس(ص72، 106، 108)، تأسیسات(ص111)؛ مولف(ص36)، مؤلف(ص36، 37)؛ جزیی(ص202)، جزییات(133)، مؤثر(48، 59، 68)، موثر(ص18، 153)، تأثیر(83، 84)، أثر(86، 88)، اثر(ص88)، تأثیر(ص34، 48، 56، 57، 156،160)، تاثیر(ص137)، متأثر(ص48)؛ و .... .

1-4-5: علامت "می" در برخی افعال متصل و در موارد دیگر منفصل است. همچنین در بسیاری از "افعال" با فاصلة دو اسپیس از فعل تایپ شده است. برای نمونه:

برنمیآید(ص190)؛ میکند(183)؛ میکرده است(ص114)؛ میتواند(ص129)؛ میتواند(ص129)؛ میدهد(ص150)؛ میتوان(ص158)؛ میکنند(ص161)؛ میشود(ص184)؛ میگیرد(ص188)؛ میکند(ص199)؛ و .... .

1-4- 6: از صفحه 135 بر خلاف صفحات پیشین، "ها" ی عوض کسره در هنگام اضافه، علامت "یا" گرفته است، مانند ادامه‌ی، همه‌جانبه‌ی، و... . لیکن حتی این مسئله نیز به‌طور کامل رعایت نشده است.

1-4- 7: معادل انگلیسی کلمات به جای پاورقی در متن آورده شده است.

1-4- 8: چنانچه در متن کتاب معادل انگلیسیِ کلمات به پاورقی منتقل شوند، در نمایه نیازی به ذکر کلمات انگلیسی نخواهد بود و ذکر معادل فارسی آنها در نمایه کفایت خواهد کرد. بنابراین، کلمات انگلیسی که اکنون در نمایه موجود است باید حذف شده و به روشی که گفته شد اصلاح شوند.

1-4- 9: در شماره‌بندیِ بندها از اعداد کتابی به جای اعداد حسابی استفاده شده است.

1-4- 10: موارد دیگر:

صفحه 111 چنین آمده است: «...... در 26 نوامبر 13، 2003 مارس 2004، ... »، که باید به این‌صورت اصلاح شود: « ... 26 نوامبر 2003، 13 مارس 2004، ...»؛ و .... .

**1-5: نکات ویرایش زبانی**

در این قسمت تنها به ذکر برخی از مواردی اشاره می‌شود که اشتباهات آشکار ویرایشی در آن مشهود است:

1- در این گزارش سعی در پرداختن به جوانب تحریم‌های احتمالی و موانع سیاسی- حقوقی فراروی متولیان امر در پرونده هسته‌ای شده است(ص39). که دست کم به این شکل می‌توان آن را اصلاح کرد:

«در این گزارش سعی شده است به جوانبِ تحریم‌های احتمالی و موانع سیاسی- حقوقیِ فراروی متولیان امر در پرونده هسته‌ای پرداخته شود». یا: «این گزارش می‌کوشد به جوانبِ تحریم‌های احتمالی و موانع سیاسی- حقوقیِ فراروی متولیان امر در پرونده هسته‌ای بپردازد».

2- در دوران جنگ‌های جهانی اول و دوم مقوله عملیات روانی به دلیل گسترش رسانه‌های کتبی و نیز پیدایش رادیوهای موج کوتاه و استفاده از ابزارهای نظامی و ارتباطی شاهد تحول بیشتری در این حوزه هستیم(ص55). می‌توان جمله را این‌گونه تصحیح کرد:

«دوران جنگ‌های اول و دوم جهانی به دلیل گسترش رسانه‌های کتبی و نیز پیدایش رادیوهای موج کوتاه و بهره‌گیری از ابزارهای نظامی و ارتباطی تحول بیشتری را در حوزه عملیات روانی شاهد بود».

3- «... و در نهایت، دولت در سال 1372(1993) قراردادی را با روسیه منعقد شد[کرد]»(ص109).

4- «جمهوری اسلامی ایران در فوریه 2003 به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اطلاع داد تا اوایل سال 2005 قصد دارد ..... فراهم نمایند». تصحیح: « جمهوری اسلامی ایران ... قصد دارد... فراهم نماید»(ص112) .

5- «... ایران گفته است این طرح‌ها [را]در سال 1987 از واسطه‌ها خریداری نموده است».

6- «... سازمان ملل را ملزم نمود نظارت بر فروش کالاهای دومنظوره را هم [که] می‌تواند در ....».

7- ایران و آژانس امکان نظارت بر نگهداری ایمن این مواد را در ترکیه دارد[دارند].

8- ترکیه و برزیل از آمادگی جمهوری اسلامی ایران .... استقبال می‌کند[می‌کنند](ص134).

9- ترکیه و برزیل از رویکرد جمهوری اسلامی ایران .... قدردانی کرده است[کرده‌اند](ص134).

10- انقلاب جمهوری اسلامی ایران(ص108). تصحیح: انقلاب اسلامی ایران.

11- اواخر دهة سال 1980(ص108)، تصحیح: اواخر دهة 80.

12- ... در این الگوی جدید عملیات روانی موضوع بزرگنمایی یا و کوچک‌نمایی قرار گیرد.

13- از این روش بیشتر در جهت پیاده کردن این شیوه، تبلیغات گام به گام است(ص201).

14- ... مبلغ یک‌میلیارد دلار وام به عنوان کمک مالی به این شرکت[که] به صورت کنسرسیومی از شرکت‌های بلژیک، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا اداره می‌شد، اعطا کرد(ص107).

15- ... باید گفت که امریکایی‌ها در رسانه‌های جمعی خود از شگردهای عملیات روانی استفاده می‌کند[می‌کنند](ص190).

**1-6: صفحه‌آرایی:**

- حاشیة متن در سطر آخر برخی صفحات کمتر از سایر صفحات است. برای نمونه صفحات 161،

- حاشیه سرصفحات در صفحات مختلف یکسان نیست.

**2- ارزیابی روشی**

**2-1: پیشینة تحقیق**

نویسنده در صفحة 30 به ارائه پیشینة تحقیق کتاب خود پرداخته است. وی در ابتدا از دو کتاب به عنوان مهم‌ترین آثار این حوزه نام می‌برد که رویکرد نظری محقق بر اساس محتوای آنها شکل گرفته است.

نخست: کتاب "جنگ روانی دولت‌ها و افکار عمومی" که توسط سرهنگ ستاد جناب آقای "عبدالله رفیعی" در سال 1381 چاپ شده و در سال 1383 به چاپ مجدد رسیده است. نویسنده در ارزیابی این کتاب آن را دارای نثری روان توصیف می‌کند لیکن یادآور می‌شود که از حیث چارچوب نظری و مطالعات موردی و استنادات ضعیف بوده و استانداردهای پژوهش‌های علمی در آن رعایت نشده است. بنابراین، آن را تنها برای طرح موضوع و آشناییِ اجمالی و کلی با عملیات روانی مناسب می‌داند.

دوم: کتاب "جنگ روانی" (1380)؛ نوشته صلاح نصر، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران: سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامة صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

نویسنده ضمن اذعان به قدیمی بودن اثر(ص38) امّا به دلیل ذکر مثال‌های متعدد از جنگ‌های روانی که فهم مباحث تئوریک را میسر ساخته است، آن را در خور توجه ارزیابی می‌کند. لیکن باید توجه داشت که مثال‌های ارائه شده نیز همچون مباحث تئوریک کتاب قدیمی و متعلق به گذشته‌اند.

به‌نظر می‌رسد دست‌کم به دلیل اینکه کتاب نخست در سال 1381 منتشر شده است و کتاب صلاح نصر نیز بسیار پیش از آن تاریخ نوشته شده است و از آن زمان تا کنون مباحث بی‌شماری در حوزة عملیات روانی مطرح شده است، دو کتاب یاد شده برای تبیین روزآمد ابعاد نظری عملیات روانی از کفایت لازم برخوردار نیستند. نکته دیگر اینکه در فهرست منابع و مآخذ نام کتاب نخست از عبدالله رفیعی- جنگ روانی دولت‌ها و افکار عمومی- مشاهده نمی‌شود و در متن کتاب نیز حتی یک بار نیز به آن استناد نشده است!

**2-2: رویکرد راهبردی**

در این قسمت دو اثر از "مصطفی دلاورپور اقدم" به عنوان مهم‌ترین این نوع آثار نام برده شده است: 1- طرح تعلیق ورود بازرسان سازمان آژانس انرژی هسته‌ای به ایران. این اثر، گزارشی است که به منظور اطلاع‌رسانی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و به سفارش دفتر مطالعات سیاسی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه شده است. 2- هفتمین کنفرانس بازنگری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران. این اثر نیز گزارشی است که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انجام یافته است.

نویسنده اطلاع می‌دهد که این گزارش‌ها "فاقد هرگونه مبانی نظری بوده و صرفاً جهت اطلاع و تصمیم‌گیری مسئولین مربوط به حوزه مورد نظر انجام می‌شود. محدودیت استفاده از این‌گونه مطالب به دلیل طبقه‌بندی‌های داخلی از معایب این‌گونه منابع می‌باشد. ضمناً ضعف در استنادات و عدم استفاده از رویکرد علمی از نواقص این‌گونه آثار است که منجر به ضعف در استناد به این‌گونه متون می‌باشد"(ص40).

به نظر می‌رسد ضعف در استناد نقیصه‌ای است که اساساً صحت و صلاحیت منابع یادشده را برای گزارش به مسئولین که می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری آنان را فراهم سازد، با تردید مواجه می‌سازد. افزون‌بر آن، نبود هرگونه "مبانی نظری" و "رویکرد علمی"، که نویسنده در تحلیل آن منابع اظهار می‌دارد، گزارش‌های یادشده را به سطح بولتن‌های درون‌سازمانی تقلیل می‌دهد. از سوی دیگر، انتشار محدود این گزارش‌ها و در دسترس نبودن، ارزیابی نهایی آنها را برای دیگر محققان ناممکن یا دشوار ساخته است. با وجود این، هیچ‌یک از دو اثر یادشده در فهرست منابع پایانی کتاب مشاهده نمی‌شوند. در فهرست منابع(ص228) تنها یک اثر به نام "ایران هسته‌ای" از دلاورپور ثبت شده است.

**3- ارزیابی محتوایی**

**3-1:** عبارت "تحلیل عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی: پرونده هسته‌ای" بر روی جلد، حاکی از این است که توجه عمده کتاب بر دو مسئله متمرکز خواهد شد: 1- عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران؛ 2- مسئله پرونده هسته‌ای. لیکن گذشته از مباحث نظریِ کتاب در فصل‌های اول، دوم، سوم و پنجم که پیرامون شرح و بسط مفهوم عملیات روانی دور می‌زند و می‌تواند مقدمة نظری هر گونه بحثی در بارة عملیات روانی قرار گیرد و لزوماً به پروندة هسته‌ای ایران اختصاص ندارد، همچنین با صرف نظر از فصل چهارم که صرفاً به بررسی پیشینة فعالیت‌های هسته‌ای از زمان رژیم سابق تا جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد، می‌توان گفت تنها فصلی که بر اساس عنوان خود باید به مضمون و فحوای عنوان کتاب بپردازد، فصل آخر کتاب(فصل ششم) است.

در این حال، عنوان فصل ششم حاکی از آن است که عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در این فصل تحلیل خواهد شد و ادعای مطرح شده در قسمت نخستِ عنوان کتاب، برآورده خواهد شد. لیکن گذشته از بحث "محورهای عملیات روانی امریکا علیه ایران" که در 3 صفحه(صص204 تا 207) جمع شده است و به بحث هسته‌ای اختصاص ندارد، همچنین با صرف نظر از بحث "ابزارهای مکمل امریکا برای تأثیرگذاری مطلوب‌تر جنگ روانی" علیه ایران در 2 صفحه(صص207 و 208)، عمده مباحث این فصل را بررسی 21 تاکتیک عملیات روانی تشکیل داده است که آنها نیز الزاماً به بحث پروندة هسته‌ای ایران بازنمی‌گردند، بلکه در مسائل مختلف می‌توانند به کار برده شوند.

به نظر می‌رسد مناسب بود راهبرد امریکا در قبال مسئله فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و روش‌های عملیاتی‌اش برای مواجهه با آن، در بستری تاریخی مورد مطالعه قرار می‌گرفت و به جای فهرست کردن مجزا و جداگانة تاکتیک‌ها که تصویری نامنسجم و ابتدایی و البته تکراری از روش‌های عملیات روانی ترسیم نموده است، در ترکیبی عینی دلایل و زمینه‌های اتخاذ راهبرد و روش‌های عملیاتی امریکا با نگرشی توصیفی و تحلیلی ارائه می‌شد.

در حال حاضر، این بستر تاریخی در فصل چهارم به صورت مستقل و بدون تحلیل ارائه شده است. فصل ششم نیز بدون نگرش تاریخی و تحلیلِ منسجم، تاکتیک‌های مختلف عملیات روانی را فهرست کرده است که گاه هم‌پوشی‌هایی با هم پیدا کرده‌اند و خواننده خود باید وظیفة اصلی تحقیق را متقبل شود و با درک این تاکتیک‌ها بار دیگر به بازخوانی فصل چهارم بپردازد تا راهبرد عملیات روانی و روش‌های عملیاتی آن را در قبال فعالیت هسته‌ای ایران را دریابد. شاید معضل اصلی کتاب را در بخش مطالعه موردی آن بتوان فقدان تحلیل راهبردی و صرفاً اکتفا به بررسی تاکتیک‌های عملیاتی برشمرد. این در حالی است که بهره‌گیری از روش‌ها همواره فرع بر چشم‌انداز راهبردی است که در سطوح عالی سیاست‌گذاری پی‌ریزی می‌شود و انسجام و انتظام تاکتیک‌ها و روش‌ها در ذیل آن شکل می‌گیرد.

دست کم چنانچه اخبار و شواهدی ارائه می‌شد که به تطبیق و تحلیل عینی کاربرد تاکتیک‌ها و استخراج و استنباط آنها از خلال اقدامات امریکا علیه پرونده هسته‌ای ایران می‌پرداخت، در آن صورت خیز بلند کتاب با پرشی مناسب به نتیجه می‌رسید. برای نمونه در روش ارائه تحلیل غلط(ص200) مناسب است نویسنده دست کم دو نمونه از تحلیل‌های غلط امریکا را در خصوص مسائل ایران شاهد آورد تا دانشجو و خواننده به‌ روشنی با به‌کارگیری روش‌های عملیات روانی آشنا شود.

در واقع، چنانچه عناوین فهرست مطالب نشان می‌دهد، کتاب با وجود اینکه به نظر می‌رسد تمام اصول و استاندارد مطالعه تحقیقی و علمی را پیموده است، لیکن نه در جنبة نظری دستاوردی دارد و نه در بررسی عملیات روانی امریکا علیه ایران یا در مطالعه موردی پروندة هسته‌ای آن، تحلیلی درخور ارائه نمی‌دهد. یعنی به حسب ظاهر همة اصول تحقیق رعایت شده است لیکن بروندادی مناسب به دست نداده است. سرانجام اینکه تاکتیک‌های ارائه شده در این فصل بارها در منابع گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی افزون بر مقالات مندرج در نشریات علمی و عمومی همچون روزنامه‌ها آکنده از مباحث ملال‌آور و تکراریِ مشابه است.

**3-2:** فصل دوم کتاب، پیشینه عملیات روانی را تا پایان جنگ سرد در پیوستاری مجمل بررسی کرده است و با برشماری ویژگی‌های عملیات روانی در دورة جنگ سرد و دوران پس از آن(صص63 تا 67) و با تدوین تحلیل‌هایی از منابع مختلف، تصویری پویا از عملیات روانی آن دوره عرضه می‌کند؛ لیکن دورة اخیر را (پس از جنگ خلیج فارس 1991-1990) با قطعاتی بریده و جداگانه از جنگ‌های خلیج فارس، سومالی، بوسنی و عراق بدون تحلیلی از سیر حرکت عملیات روانی در آنها رها ساخته است. به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد بر خلاف دورة پیشین – جنگ سرد- برای تحلیل نظام‌مند و پویایِ عملیات روانی در دورة اخیر منابع چندان چشمگیری در متون داخلی تولید و آماده نشده است؛ بر این اساس، اثر حاضر فارغ از رویکرد تحقیقی به تکرار چند کد از منابع دیگر بسنده کرده است.

همچنین جمع‌بندی فصل دوم به‌گونه‌ای عجیب و با شوق و شعف! به جمع‌بندیِ عملیات روانی امریکا در طول تاریخِ آن تبدیل شده است: «.... این تصویرِ شتاب‌زدة تاریخی نشان‌دهندة آن است که "ثروت‌های گرانبهایی" از عبرت‌ها را می‌توان از تاریخ و نیز تجارب عملیات روانی امریکا به دست آورد»! (ص75). اینگونه تعبیر اگر عین متن ترجمه‌شده‌ای از نویسنده‌ای امریکایی نباشد، نوعی تمجید و وجد صنفی و حرفه‌ای از صنعت عملیات روانی بدون توجه به سایر مؤلفه‌های ارزشی و آرمانی است.

**3-3:** در فصل سوم علیرغم اینکه تصریح می‌شود عملیات روانی از جنگ روانی جامع‌تر و مناسب‌تر است(ص83) و بر این اساس نویسنده اظهار می‌دارد که "در این نوشتار به جای جنگ روانی از واژه عملیات روانی بهره خواهیم گرفت"(ص83) لیکن تا پایان این فصل تفاوت این دو به‌وضوح مشخص نمی‌شود و همچنان کلمات عملیات و جنگ روانی تا آخرین صفحات پایانی کتاب بدیل هم استفاده می‌شوند.

3-4: در پایان صفحه 83 اشاره شده است که: «کارشناسان این حوزه در ایران بر سازماندهی و استفاده برنامه‌ریزی شده از ابزارهای تبلیغاتی برای افزایش میزان تأثیرگذاری، نه بر دشمن، بلکه بر احساسات، افکار و رفتار مخاطبان تأکید دارند»! به نظر می‌رسد در جایی که امریکا بر طبق قوانین داخلی دست کم به حسب ظاهر از اِعمال عملیات روانی بر شهروندان داخلی خود ممنوع است، این نظر کارشناسان ایرانی تأمل‌برانگیز می‌نماید و نیازمند توضیح است. همچنین مناسب بود که به نام کارشناسان یادشده اشاره می‌شد. هر چند کتاب ادعای یادشده را به مقالة جناب آقای دکتر محمود یزدان‌فام ارجاع می‌دهد، لیکن در مراجعه به منبع مزبور مطلب یادشده، مشاهده نشد. در واقع، به دلیل مشخص نبودن حدفاصل متن نقل شده و تحلیل و قلم نویسنده، بدون مراجعه به منابع اصلی نمی‌توان قلم نویسنده را از متن نقل شده، تشخیص داد. این نقیصه تقریباً در تمام منابع و متن کتاب مشاهده می‌شود.

**3-5:** در بحث "تعاریف برگزیده از عملیات روانی"(صص84 تا 88)، بسیاری(12 مورد) از مطالب ارائه شده را نمی‌توان در زمرة "تعریف" برشمرد، بلکه توضیحات و توصیفاتی‌اند که افراد مختلف از عملیات روانی ارائه داده‌اند، مانند: «در دنیا قدرتی نیست مگر دو قدرت شمشیر و فکر. در آخر شمشیر همواره در مقابل فکر مغلوب بوده است(ناپلئون بناپارت)»؛ و ... .

**3-6:** مفاهیم هم‌خانوده با عملیات روانی: چنانچه کتاب اظهار می‌دارد(ص91) در این قسمت درصدد است به معرفی و بیان مرزهای مفهومی مفاهیم هم‌خانوده با عملیات روانی، بپردازد. مفاهیم هم‌خانواده‌ای که در این فصل از آنها نام برده شده است عبارتند از: تبلیغات، جنگ تبلیغاتی، جنگ سیاسی، جنگ سرد، جنگ افکار، جنگ نرم، جنگ شبکه‌ای و جنگ سایبر. لیکن ارادة جدی برای شرح و بسط تفاوت مفهومی هیچ‌یک از واژگان یادشده با عملیات روانی وجود نداشته است. به‌نظر می‌رسد دلیل هم‌خانواده انگاشتن این کلمات و به‌کارگیری جایگزین آنها به جای یکدیگر که نویسنده به آن اشاره می‌کند(ص91)، باید در ابتدا توضیح داده می‌شد، سپس موارد تمایز آنها بیان می‌گردید. افزون بر آن کلمات دیگری همچون دیپلماسی، دیپلماسی عمومی(در صفحه 172 به تفصیل در بارة دیپلماسی عمومی امریکا مطالبی نقل شده است)، جنگ سرد فرهنگی، انقلاب رنگی، براندازی نرم و... نیز در منابع دیگر مورد بحث و مقایسه قرار گرفته‌اند که شایسته است موضع کتاب در قبال آنها نیز روشن شود. به نظر می‌رسد نبود روش نظام‌مند برای مواجهة مفهومی عملیات روانی با سایر مفاهیمی که هم‌خانواده و قرینِ آن برشمرده‌ شده‌اند، موجب گزینش تصادفی برخی کلمات و اغماض از کلمات دیگر در فصل سوم شده است.

**4- ارزیابی ساختاری**

**4-1:** به نظر می‌رسد فصل پنجم باید دست کم پس از فصل سوم کتاب قرار می‌گرفت تا پس از بیان پیشینه عملیات روانی در فصل دوم، و مفهوم‌شناسی آن در فصل سوم، به شرح و بسط نظریه‌های عملیات روانی در فصل چهارم پرداخته می‌شد. همچنین شیوه‌های عملیات روانی نیز- که در فصل ششم آمده است- در فصلی مستقل به مثابه قواعدی کلی بررسی می‌شد، سپس کاربرد آن در دستگاه سیاست خارجی و برنامه عملیات روانی این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران در فصلی مستقل تحلیل و عرضه می‌گردید.

- متن کلیات در صفحه 148 سطر 9 تا آخر مطلب در صفحه 149، تکرار مطالب کلیات از صفحه 27 بند دوم تا پایان بند اول صفحه 28 است.

- در صفحه 106 نوشته شده است: «جمهوری اسلامی ایران در سال 1958 به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درآمد». این در حالی است که پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1979 به‌وقوع پیوست.

- این متن در صفحات 84 و 85 تکرار شده است: «در عملیات روانی نظامی، اهداف عملیات، سازمان‌دهی نیروهای عمل‌کننده، طرح‌ریزی عملیات، ابزارها و حوزه‌های ارتباطات، میزان اعتبار مراجع خبری، اطلاعات و پیام‌های ارسالی نقش مهمی دارند». در متن صفحه 85 کلمه "نظامی" در ابتدای جمله حذف شده است.

**جمع‌بندی**

کتاب تحلیل عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، مسئله ضروری و مناسبی را برای تحقیق برگزیده است. در حال حاضر، پروندة هسته‌ای ایران شاید مهم‌ترین مسئله مطرح در عرصة سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار آید که سایر سیاست‌های کشور را در پهنه منطقه و جهان تحت تأثیر قرار داده است. تبعات و پیامدهای این پرونده که سرانجام به تحریم‌های گستردة ایران منجر شد، در عرصه داخلی نیز تأثیرگذار بوده است. از این‌رو، موقع‌شناسی و درک ضرورت‌های پژوهش در کتاب حاضر، قابل تمجید و سپاس است. باوجود این، و علیرغم بافت متدلوژیک تحقیق، درون‌مایة آن ترازِ مناسبی از پرداخت ساختاری و محتوایی را ارائه نمی‌دهد و از این نظر کتاب تنها موفق شده است مقالات و گزارش‌های مختلف را در فرمی تحقیقی بازنمایی کند.

از سوی دیگر، ایرادات شکلی به‌ویژه اغلاط املایی و ناراستی‌های ویرایش فنی و ادبی نیز نکته‌ای است که با پیشینة تجربة انتشاراتی دانشگاه امام صادق(ع) نیز موافق در نمی‌آید.